

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1396/02/11



موضوع: شرط نهم مباشرت در وضو

شرط نهم از شرائط صحت وضو این بود که مکلفی که وضو می گیرد باید خودش مباشرتاً افعال و اعمال وضو را انجام بدهد، واسطه نباشد از کس دیگر کمک نگیرد که سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «فلو باشرها الغیر أو أعانه فی الغسل أو المسح بطل»^[1] اگر مباشرت کند آن افعال وضو را غیر آدم وضوگیرنده یا کمک کند در غسل و مسح، وضو باطل است. کسی می خواهد وضو بگیرد فردی بیاید با یک کف آب بریزد روی دست وضو گیرنده و آن بکشد تا سر انگشتان، این وضو باطل است هرچند غسل انجام شده ولی این وضو باطل است. این مباشرت دلیل اولش اجماع بود، دلیل دوم هم مقتضای اطلاق بود. سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه در این مورد فرمودند که امور توصلیه و تعبّیه فرق می کند. در امور تعبّیه واسطه و کمک جا ندارد باید خود شخص مکلف عبادت را انجام بدهد. و در اعمال توصلیه می تواند کسی دیگر هم انجام بدهد مشکلی ندارد.

فرق تعبّی و توصلی

فرق بین تعبّی و توصلی سه تا بود که قصد قربت و ترتّب ثواب و عقاب و غرض. سوال شد که تعبّی هم غرض دارد، گفتیم که در تعبّدیات غرض برای مکلف معلوم نیست. که در عبادات علم به وجود ملاک داریم اما تشخیص ملاک کار ناممکنی است.

فرق بین وجود ملاک و علم به ملاک

فرق است بین علم به وجود ملاک براساس قواعد عدلیه و بین تشخیص ملاک، چون دست مولی است ما چه می دانیم چه ملاکی را مولی در نظر گرفته. عبادات غرض دارد ملاک دارد قطعاً ولی ما نمی دانیم. اما توصیلات غرض معلوم است مثل ازاله نجاست، ادای دین و ضمانات، توصیلات است. کسی بدهکاری دارد خودش نمی داند خبر هم ندارد، یک کسی دیگر می رود آن دینش را می دهد دینش اداء شده است. چون توصیلی است غرض معلوم است، حق کسی باید به صاحب حق برسد.

سه منطقه

که سه منطقه است: منطقه امر، منطقه حکم و منطقه عملی که مامور به هست. در منطقه امر یعنی به اعتبار اتصاف خود امر، امر متصف می شود به مولوی و ارشادی. این اتصاف به اعتبار خود امر است. و اما تکلیفی و وضعی به اعتبار حکم است، حکم یعنی اعتباری که از سوی شرع صادر می شود. به اعتبار اتصاف حکم، حکم متصف می شود به حکم تکلیفی و حکم وضعی. منطقه سوم به اعتبار خود عمل، عمل یعنی آن عملی که واجب است یا آن عملی که حرام است، به اعتبار عمل، عمل متصف می شود به عمل عبادی و عمل توصیلی. که غرضش معلوم است یا غرضش معلوم نیست. یک نکته را هم اضافه کنم که درباره وضعیات و تکلیفیات به طور عمده تکلیفیات مربوط می شود به عبادات و وضعیات به طور عمده مربوط است به معاملات، ملکیت و زوجیت و عبدیت و رقیت تا حدود و دیات اینها همه وضعیات است.

ادله اجماع و مقتضای اطلاق و نص خاص

اما درباره مسئله مباشرت سید طباطبایی می فرماید: مباشرت لازم است و سیدنا الاستاد هم ادله اش را فرمودند که اجماع و مقتضای اطلاق و نص خاص که دال بر این است که در عبادات مباشرت واجب است که وضو جزء عبادت است و باید مباشرتاً انجام بشود. مضافاً بر این که اجماعی بود یا نزدیک تسالم بود و مذهب اصحاب بود و مقتضای اطلاق بود، دلیل سوم سید الاستاد [2] می فرماید: نص خاص، این نص خاص عبارت است از صحیحه عبید بن حذاء از امام باقر علیه السلام، محمد بن الحسن شیخ طوسی باسناده عن الحسين بن سعيد، که حسین بن سعید اهوازی است و اسناد شیخ هم به این حسین بن سعید صحیح است. عن صفوان که از مشایخ ثلاث است و فضاله بن ایوب که از اجلاء و ثقات است. عن فضیل بن عثمان که توثیق خاص دارد، عن ابی عبیده الحذاء که از اصحاب امام باقر و از اجلاء هست، «قال وضأت اباجعفر علیه السلام بجمع و قد بال فناولته ماء فاستنجی ثم صببت علیه کفاً فغسل به وجهه و کفاً غسل به ذراعه الایمن و کفاً غسل به ذراعه الایسر ثم مسح بفضله الندی رأسه و رجليه» [3] محل استشهاد ما در این حدیث معتبر و صحیح از این قسمت به بعد است می فرماید آب آوردم حضرت استنجاء کردند پس از آن یک کف آبی

ریختن به دست مبارک شان گرفتند با آن کفی که پر از آب شده بود و من آن آب را ریخته بودم وضو گرفتم و همین طور کفی برای دست راست و کفی هم برای ذراع چپ آنگاه به باقیمانده از نداوت آن وضو مسح کردند سر و پاهای مبارک را. این حدیث سندش صحیح است بیانش هم واضح است.

سوال:

پاسخ: این حدیث شریف دو مطلب را اعلام می کند: 1. مباشرت به عنوان این که عین آن عمل وضو را خود فرد انجام بدهد، 2. اعانه و کمک گرفتن اشکال ندارد. مضافاً بر این روایات دیگر هم داریم از جمله صحیح زراره از امام باقر روایت بکیر بن اعین برادر زراره که هر دو تقریباً هم مضمون هستند. در این روایت آمده است که وضوی بیانیه است، در این متن آمده است که «ثم غرف ملأها ماء فوضعها علی جبهته ثم قال بسم الله و سدلہ علی اطراف لحيته» [4] با دست مبارکش با آن آبی که به کف گرفته بود صورت خودش را شست. این وضو بیانیه است هم عمل حضرت رسول و هم کلام حضرت رسول هر دو برای ما اعتبار و حجیت دارد. دیدیم که وضو طبق نص باید بالمباشرة انجام بشود. از لحاظ نص خاص می بینیم که وضویی که پیامبر گرفته است و وضویی که امام باقر سلام الله تعالی علیه با کمک اصحاب انجام داده است فعل وضو مباحثه ای بوده، پس این دلیلی است متقن با سند معتبر برای اینکه در وضو مباشرت شرط هست. مضافاً بر اینکه سیره متشرعه به عنوان یک سیره برجسته و مشهود قائم و مستقرّ است. هر کسی اهل شرع است وضو می گیرد خودش انجام می دهد و از کسی در عمل وضو کمک نمی گیرد. سیره متشرعه که با برجستگی خاص و استقرار غیر قابل انکار وجود داشته باشد در این رابطه دلیل متقنی است که می تواند بگوید در افعال وضو مباشرت شرط است. و با این ادله ای که داشتیم و با توجه به بیان محقق حلی که فرمودند «مذهب الاصحاب» می توانیم بگوییم که اشتراط مباشرت جزء ضروریات است. اما رأی قدمات و کمک در مقدمات، گفتیم که در ادامه بیان سیدنا الاستاد یک مطلبی آمده است و آن این است که فرموده اند مباشرت و تسبیب در دو مرحله فرق دارد: اگر ادله مربوط باشد به اعمال و افعال تکوینی در اینجا مباشرت شرط است و اگر ادله مربوط بشود به افعال اعتباریه اینجا مباشرت شرط نیست. این ذیل براساس احتمال اضافه ای از مقرّر باشد، در پایان مقرّر محترم اضافه ای آورده اند اما این مطلب که ادله متعلقه به تکوینیات همیشه مشروط به مباشرت باشد و مقتضای ادله مربوط به اعتباریات مشروط به مباشرت نباشد، اولاً به عکس آن است. اعتباریات را می شود مثل ملکیت که اعتباری است، و اینها را می شود با وکالت انجام داد که تسبیب است و اعمال تکوینی باید مباشرت داشته باشد و اگر توضیلات باشد بالواسطه می شود، تکوینی هم هست توضیلی هست با واسطه می شود. این مطلب با این کلیت با واقع تطبیق نمی کند. حج را که می بینیم مرگب است از تکوینیات و اعتباریات، تکوینیات خود آن عمل خارجی است می شود نائب بگیرید برای رمی جمرات، و اعتباری دارد که باید خود اشواط طواف متصل باشد اعتبار شده است اتصال. اعتباریات یک چیزی است که فقط در ارتباط بین اجزاء از سوی شرع اعتبار می شود. اتصال

بين اشواط طواف اعتبار شرعى است، يا موالات مثلاً. اعتبار شده است. مى فرمايند در امور اعتباريه تسبیب جا دارد مى بينيم در اين اعتباريات تسبیب جا ندارد. بنابر اين اين مطلب اولاً به طور كلى دليلی ندارد و ثانياً خلاف واقع عبادات تكوينيه و عبادات اعتباريه است. و اما توجيه، چرا اين فرمايش را فرموده باشند؟ رأى شريف شان احترام دارد مى گوييم شايد نظرشان بر عكس بوده از سهو قلم بوده، عوض كلمه تكوين كلمه اعتبار آمده و عوض كلمه اعتبار كلمه تكوين آمده. شايد سهو قلم باشد و الا وجهی ندارد كه كسى به اين مطلب به عنوان يك كلى ملتزم بشود، و الله هو العالم.

-
- [1] العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج 1، ص 423، ط جماعة المدرسين.
 [2] التنقيح فى شرح العروه الوثقى، السيد ابوالقاسم الخوئى، ج 5، ص 364.
 [3] وسائل الشيعه، الشيخ الحر العاملى، ج 1، ص 275، ابواب وضو، ب 15، ح 8، ط اسلاميه.
 [4] وسائل الشيعه، الشيخ الحر العاملى، ج 1، ص 272، ابواب وضو، ب 15، ح 2، ط اسلاميه.